



## The Approach of Scholars of the Hadith School of Ray to the Issue of Mufazzal bin Umar Jua'afi\*

Muhammad Kazim Rahmansetayesh<sup>1</sup>

Ashraf Barati<sup>2</sup>

### Abstract

Mufazzal bin Umar is one of the prominent companions of Imams. He was one of the influential figures in the intra-religious currents of the first centuries. With the migration of some hadith scholars from Iraq to Iran, the hadith ideas of Mufazzal bin Umar were also transferred to the hadith schools of Iran. Ray's scholars who are a group of scholars and companions of Imams residents of Ray or migrant narrators were from other cities and they connected with the movement of Mufazzal bin Umar, and the effect of this connection in publishing and recording the hadith tradition of Imamiyyah is very important. Based on this, the present research deals with the approach of scholars of the Hadith school of Ray in interaction and communication with the movement of Mufazzal bin Umar Jua'afi and his works. The research method is based on the knowledge of the history of thought and the analysis of the approach of scholars of the Ray school in the analysis of majesty is component-based and current-oriented. According to the conducted research, the scholars of Qom and Baghdad hadith schools rejected the movement of Mufazzal bin Umar, accused of exaggeration and completely-free-will (tafweez), but unlike other schools, the scholars of the hadith schools of Ray, with moderate thinking, did not only consider those affiliated with Mufazzal bin Umar's movement and accepted that, but they published also many narrations from this spectrum and this communication went to the point that the trusted and scholars of Ray included many narrations from him in their works, and this caused some scholars of Ray to be offended by the scholars of other schools.

**Keywords:** Hadith Thought, Ray's Hadith School, Hadith Stream, Ray's narrators.

---

\*. **Date of receiving:** 30 May 2021, **Date of approval:** 21 January 2022.

1. Faculty Member, Qom University, Iran; (kr.setayesh@gmail.com).

2. MS in Hadith Sciences, Qom University, Iran; (zokr.barati@yahoo.com).



## رویکرد دانشیان مکتب حدیثی ری به جریان مفضل بن عمر جعفری\*

محمد کاظم رحمان ستایش<sup>۱</sup> و اشرف براتی<sup>۲</sup>

### چکیده

مفضل بن عمر یکی از اصحاب برجسته ائمه علیهم السلام است. وی از شخصیت‌های تأثیرگذار در جریان‌های درون مذهبی سده‌های نخستین بود. با مهاجرت برخی از محدثان از عراق به ایران، اندیشه‌های حدیثی طیف مفضل بن عمر نیز به مکاتب حدیثی ایران منتقل شد. دانشیان ری که گروهی از محدثان و اصحاب ائمه علیهم السلام ساکن ری یا محدثان مهاجر از دیگر شهرها بودند با جریان مفضل بن عمر ارتباط برقرار کردند که تأثیر این ارتباط در نشر و ضبط تراث حدیثی امامیه از اهمیت بسیاری برخوردار است. بر این اساس، پژوهش حاضر به رویکرد دانشیان مکتب حدیثی ری در تعامل و ارتباط با جریان مفضل بن عمر جعفری و آثار ایشان می‌پردازد. روش پژوهش با توجه به شناخت تاریخ اندیشه و تحلیل رویکرد دانشیان مکتب ری در تحلیل رجالی، مؤلفه‌ای و جریانی است. بر اساس تحقیقات انجام‌شده، برخورد دانشیان مکاتب حدیثی قم و بغداد با جریان مفضل بن عمر به شیوه طرد، اتهام به غلو و تفویض بوده، اما دانشیان مکتب حدیثی ری برخلاف دیگر مکاتب، با اندیشه اعتدالی، نه تنها وابستگان به جریان مفضل بن عمر را در ری پذیرفتند، بلکه به نشر روایات بسیاری از این طیف پرداختند و این ارتباط تا آنجا پیش رفت که بزرگان و ثقات ری، روایات زیادی از ایشان در تألیفات خویش گنجانده و همین امر باعث جرح برخی از دانشیان ری توسط رجالیان مکاتب دیگر شد.

واژگان کلیدی: اندیشه حدیثی، مکتب حدیثی ری، جریان حدیثی، رویان ری.

\*. تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۰۳/۰۹ و تاریخ تأیید: ۱۴۰۰/۱۱/۱۱.

۱. دانشیار و عضو هیأت علمی گروه علوم قرآن و حدیث دانشگاه قم، قم، ایران؛ (kr.setayesh@gmail.com).

۲. کارشناس ارشد علوم حدیث دانشگاه قم، ایران، [نویسنده مسئول]؛ (zeker.barati@yahoo.com).



## مقدمه

سیر تحول و تطور مراکز حدیثی امامیه در دوره‌های مختلف، نشان می‌دهد که نوع نگرش و اندیشه عالمان و محدثان در تعامل با حدیث تحت تأثیر فضای فرهنگی، اجتماعی و جریان‌های درون‌مذهبی در منطقه بوده است. منطقه ری دارای موقعیت جغرافیایی، اجتماعی، فرهنگی و تنوع مذهبی بوده که این شرایط در شکل‌گیری اندیشه دانشجویان این مکتب، بی‌تأثیر نبوده و هم‌زیستی با فرق مختلف و حاکمیت مقتدرانه آل‌بویه در این منطقه، سبب شده شیعیان و عالمان این دیار از روحیه اعتدالی برخوردار شوند و این روحیه در تعامل با جریان‌های درون‌مذهبی نمود بیشتری پیدا می‌کند.

یکی از جریان‌های فعال قم، طیف مفضل بن عمر بوده که دانشجویان مکتب قم، وابستگان این طیف را تضعیف و متهم به غلو دانستند و در مواردی هم اقدام به طرد آنها از این شهر کرده‌اند (نجاشی، ۱۴۰۷: ۱۸۵؛ ابن‌غضائری، ۱۴۲۲: ۶۷، ۳۹؛ حلی، ۱۴۱۱: ۱۵)؛ اما دانشجویان مکتب ری رویکرد متفاوتی با وابستگان این جریان در پیش گرفتند.

در پیشینه کلامی شیعه در عصر امام صادق (علیه‌السلام)، طیف‌های مختلفی از شیعه یا منتسب به شیعه وجود داشتند؛ این جریان‌ها در سه گروه قابل طبقه‌بندی هستند:

جریان نخست: جریانی که گرایش‌های غالبانه داشتند؛ مانند: مغیره و خطایه.

جریان دوم: حلقه داخلی امامیه که غالباً اصحاب و خواص صادقین (علیهم‌السلام) بودند که از شاخص‌ترین آنها «جریان هشام بن حکم»، «جریان هشام بن سالم جوالبقی» و «جریان مفضل بن عمر جعفری» بودند.

جریان مفضل بن عمر جعفری، انشعابی داخلی از جریان هشام بن سالم جوالبقی است که در اواخر سده دوم و اوایل سده سوم هجری از آن متمایز شد. گزارش‌ها از وجود حلقه‌ای با مرکزیت مفضل بن عمر و برخی شاگردانش در مدینه خبر می‌دهد (گرامی، ۱۳۹۱: ۹۳). از مهم‌ترین عوامل تمایز این طیف از جریان هشام بن سالم تعامل و ارتباط مفضل بن عمر با خطابیان است. این در حالی است که تعاملات مفضل با خطابیان راهبردی بود و وی تلاش کرد این مسئله را برای دیگر اصحاب تبیین کند. از سویی در زمان امام رضا (علیه‌السلام) با تطور گفتمان تفویض در معنای خلق، رزق و دیگر شئون ربوبی در جامعه، جریان خطابیان میانه‌رو و امامیان وابسته به اندیشه مفضل بن عمر جعفری متهم به تفویض شدند (کشی، ۱۳۹۲/۲، ۶۱۹؛ گرامی، ۲۲۳). طیف مفضل بن عمر در مؤلفه علم امام، معتقد به عدم انقطاع وحی بعد از رحلت پیامبر (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم) بودند. در عقائد این گروه عقیده به عالم‌اطله و اشباح نیز دیده شده است. اندیشه‌های تفویضی در حلقه مفضل بن عمر در مدینه توسط مفضل بن عمر و

همراهانش درباره جایگاه و منزلت امام علیه السلام در امور دین مطرح شد که با حضور امام و ارشادات ایشان مرتفع گشت. باور عالم اظله و اشباح در بین جریان‌های درون مذهبی به گونه‌های مختلفی مورد پذیرش قرار گرفت. گزارشاتی از فضل و برخی از شاگردانش درباره سهوالنبی حاکی از پذیرش سهوالنبی در میان این طیف است.

جریان سوم: جامعه عام شیعه بود که به رغم گرایش به اهل بیت علیهم السلام هنوز وجود تمایز و عقائد بنیادین امامت برای آنها نهادینه نشده بود. این جریان از موضوع بحث ما خارج است (گرامی، ۱۳۹۱: ۷۲).

درباره رویکرد مکاتب امامیه با جریان‌های حدیثی، پژوهش‌هایی انجام گرفته و کتاب‌های مختلفی در این راستا نگاشته شده است؛ درباره شخصیت فضل بن عمر نیز مقالات بسیاری وجود دارد؛ از جمله این مقالات: «مفضل بن عمر و جریان تفویض» از حسن حیدری است. برخی نیز دیدگاه رجال‌شناسان متقدم و متأخر را درباره فضل بن عمر مورد بررسی قرار داده‌اند. سید اکبر موسوی تبنانی در کتاب «جریان‌شناسی فکری امامیه در دوران فترت» به صورت مبسوط به تحولات و تطورات جریان‌های حدیثی امامیه در بغداد، بصره و تعاملات این جریان‌ها پرداخته است. سید هادی گرامی مقاله‌ای با عنوان «شناسایی جریان‌های امامیه در عراق و ایران» به رشته تحریر درآورده و نیز دو کتاب «نخستین مناسبات حدیثی شیعه» و «نخستین اندیشه حدیثی شیعه» از ایشان به شناسایی و بازسازی اندیشه جریان‌های درون مذهبی و ارتباط آنها با مکاتب حدیثی اختصاص داده است؛ اما رویکرد دانشیان مکتب حدیثی ری با جریان فضل بن عمر و تأثیرپذیری از این جریان در نشر احادیث کمتر مورد توجه قرار گرفته است. به علت اهمیت رویکرد مکتب حدیثی ری و تأثیر مهم این مکتب در روند حفظ میراث حدیثی امامیه، نگارنده در این پژوهش رویکرد دانشیان مکتب حدیثی ری در مقابل جریان فضل بن عمر جعفری را مورد بررسی قرار می‌دهد. این نوع پژوهش‌ها به دلیل عدم پی‌جویی‌های لازم درباره تاریخ اندیشه، یکی از مباحث جدید شمرده می‌شود. در این پژوهش از جدیدترین دستاوردهای پژوهشی تاریخ‌نگاره‌ای جهت معیارهای شناسایی جریان فضل بن عمر در مکتب حدیثی ری بهره گرفته شده است. جریان‌های حدیثی، تحت تأثیر اندیشه شخصیت‌های علمی

---

۱. تاریخ‌نگاره یا History of Ideas یک حوزه مطالعاتی در حیطه تاریخ تفکر است و حوزه میان رشته‌ای مرتبط با تاریخ فلسفه، تاریخ علم، تاریخ ادبیات، گفتمان پژوهی و معناشناسی محسوب می‌شود. به بیان دیگر تاریخ‌نگاره به مطالعه تاریخی انگاره‌های بشر و تغییرات آن در طول زمان و در بستر فضاهای فرهنگی می‌پردازد و همانند هر حوزه مطالعاتی دیگر، درون خود گرایش‌ها و رویکردهای متنوعی دارد (برگرفته شده از [sahargah.blog.ir](http://sahargah.blog.ir)).



گروهی از هم‌اندیشان که روابط اجتماعی نزدیک به یکدیگر داشتند به وجود آمدند. آنها علاوه بر هم‌اندیشی از نوعی رفتار ویژه اجتماعی نیز برخوردار بودند که از دیگران متمایز می‌کرد. این وجه تمایز آنها، وجود حس تقابل با همدیگر است نه وجود تقابل و اختلاف در نفس الامر؛ تمایز جریان‌ها امری روانی و اجتماعی است و صرفاً زمینه و بستری برای شکل‌گیری اختلاف عقائد بوده و شرط لازم برای شکل‌گیری جریان‌ها نیست (گرامی، ۱۳۹۱: ۶۸).

روش تحقیق در این مقاله توصیفی - تحلیلی و روش گردآوری اطلاعات کتابخانه‌ای است. در این مقاله به بررسی و تحلیل شرح حال دانشجویان مکتب حدیثی ری با هدف شناسایی رویکرد دانشجویان ری و میزان ارتباط این دانشجویان با جریان مفضل بن عمر در تحلیل رجالی (آرای رجالی متقدم و متأخر و معاصر) پرداخته شده و سپس با بررسی مؤلفه‌های همچون علم امام، باور به عالم اظله و اشباح، تصرف امام در امور تکوینی و سهولت‌یابی، تحلیل مؤلفه‌ای و جریانی ارائه می‌شود و نیز بعد از شناسایی دانشجویان مرتبط با این جریان در ری، به رویکرد اعتدالی آنها در پذیرش روایات طیف مفضل بن عمر، نقل و نشر روایات آنها می‌پردازد.

### الف) مؤلفه‌ها و شاخصه‌های اعتقادی طیف مفضل بن عمر

مهم‌ترین مؤلفه‌های اعتقادی ارائه شده برای شناسایی و تمایز جریان‌های درون‌مذهبی به‌ویژه جریان مفضل بن عمر، الگوی مؤلفه‌ای غلو است؛ اما این الگو علاوه بر سیالیت مفهوم غلو در سیر تاریخی خود، دگرگونی برخی از مؤلفه‌ها لازم برای شناسایی غالبان را در سده سوم و چهارم پیگیری کرده است؛ این مؤلفه‌ها عبارت‌اند از: علم امام، عصمت و سهولت‌یابی، تفویض، تصرف در امر تکوینی، عالم ذر و اظله. گاهی اختلاف در نوع نگرش مکاتب و جریان‌ها به این مؤلفه‌ها تا جایی پیش می‌رفت که گروهی، گروه دیگر را با استدلال‌های خاص خود غالی خطاب می‌کردند.

معیارها و شاخصه‌های شناخت وابستگان جریان مفضل بن عمر عبارت‌اند: ۱. نقل مضامین و عقائد مشترک؛ ۲. روابط استاد و شاگردی؛ ۳. وجود گزارش‌های هم‌زمان جرح و تعدیل درباره شخصیت‌ها؛ ۴. اتهام غلو و تفویض (گرامی، ۱۳۹۱: ۹۲)؛ ۵. گرایش به مکتوبه‌های تفسیری تأویلی و باطنی (گرامی، ۱۳۹۶: ۲۴۴). با محور قرار دادن و جستجوی این شاخصه‌ها در تاریخ متقدم امامیه به‌ویژه دوران امام صادق (علیه السلام) شخصیت‌هایی شناسایی می‌شوند که غالباً با طیف مفضل بن عمر در ارتباط هستند (گرامی، ۱۳۹۱: ۹۲).

## ۱. باور علم امام

در گزارشی سدیر، به نقل از امام صادق علیه السلام درباره علم امام دو دیدگاه در بین امامیه بیان می‌کند (ابن حیون، ۱۳۸۵: ۵۰/۱)؛ گروهی بر این باور بودند که وحی بعد از پیامبر منقطع شده و دیگر وحی صورت نمی‌گیرد. ائمه علیهم السلام توسط علمی که از پدرانشان میراث برده‌اند و اصول و فروعی که در آنجا ذکر شده، عالم می‌شوند. این گروه برای رهایی از محدودیت علم امام اعلام کردند که امام چون معصوم است می‌تواند بر اساس اصولی که در دست دارد قیاس کند و این کار برای وی جائز است (نوبختی، ۱۴۰۴: ۹۰). گروهی هم قائل به عدم انقطاع وحی بعد از پیامبر صلی الله علیه و آله شدند؛ به عقیده ایشان، علاوه بر میراثی که برای امام از گذشته باقی مانده، انتقال علم به امام از جهات مختلف دریافت پنهان (نکت فی القلوب، قذف فی القلب، سماع صوت الملائکه) نیز صورت می‌پذیرد. گروه دوم، وحی به امام را غیر وحی نبوتی دانسته و امام را نبی نمی‌دانستند و در اموری امام را محدث می‌نامیدند (گرامی، ۱۳۹۱: ۱۴۰-۱۲۸). در گزارشی مفضل بن عمر درباره علم امام چنین نقل می‌کند که امام علیه السلام در گفتگو با او، اشاره به رسیدن اخبار روز و شب از آسمان‌ها می‌کنند (کلینی، ۱۴۰۷: ۲۶۱/۱). در روایتی دیگر در گفتگوی مفضل با امام صادق علیه السلام، وی از امام شنیده که ایشان علم منایا و بلایا و فصل الخطاب دارد؛ اما این علم به اذن خدا به امام علیه السلام داده شده است (صفار، ۱۴۰۴: ۲۶۶/۱). این تعبیر به خوبی نشان‌دهنده باور به عدم انقطاع وحی در جریان مفضل بن عمر است.

## ۲. اعتقاد به عالم اظله و اشباح

اعتقاد به عالم اظله و اشباح به نحو فراگیری در بین جریان‌های امامیه وجود داشت. در سده سوم هجری محمد بن سنان زاهری علاوه بر نقل روایات زیاد عالم ذر کتابی درباره عالم ذر و اظله نگاشت. وی روایات سبقت هزارساله خلقت نوری معصومان علیهم السلام پیش از خلقت آدم را نیز نقل کرد (کلینی، ۱۴۰۷: ۴۴۱/۱؛ مجلسی، ۱۴۰۳: ۳۴۱/۲۵، ۳۵۶/۱۰۸). جابر بن یزید جعفی یکی دیگر از راویان طیف مفضل بن عمر است که روایات عالم ذر و بدء الخلق را نقل کرد (برقی، ۱۳۷۱: ۱۳/۱؛ صفار، ۱۴۰۴: ۸۵/۱؛ کلینی، ۱۴۰۷: ۴۴۲/۱، ۱۲۲؛ کوفی، ۱۴۱۰: ۵۶).

## ۳. پذیرش سهوالنبی

در بین گزارش‌های بسیار اندک سهوالنبی، یکی از آنها از مفضل بن عمر و دو گزارش نیز از شاگرد برجسته وی محمد بن سنان زاهری نقل شده است. این گزارش‌ها، حاکی از پذیرش سهوالنبی در طیف مفضل بن عمر است (طوسی، ۱۴۰۷: ۳۵۵/۲).



#### ۴. تفویض

همان طور که بیان شد جریان مفضل بن عمر یک انشعاب داخلی از جریان هشام بن سالم جوالمقی است. یکی از دلایل تمایز این طیف از جریان هشام به سالم، امر تفویض است. در زمان امام رضا علیه السلام تطور گفتمان تفویض در معنای امر خلق و رزق و دیگر شئون ربوبی موجب پیوند طیفی از خطابیان میانه‌رو و امامیان وابسته به اندیشه مفضل بن عمر جعفری شد. پیوند وابستگان مفضل بن عمر با جریان مفوضه، نه تنها سوء تفاهم‌هایی برای جریان مفضل ایجاد کرد؛ بلکه بسیاری از مردم عادی و حتی برخی از اصحاب را تحت تأثیر قرارداد و به خود جلب کرد (کشی، ۱۳۴۸: ۶۱۹؛ گرامی، ۱۳۹۶: ۲۲۳). بدین صورت تطور معنای تفویض برای بسیاری از جامعه شیعی چالش‌های جدی را درباره مراتب و فضائل امام علیه السلام به وجود آورد (گرامی، ۱۳۹۱: ۱۸۵).

#### ۵. تصرف امام در امور تکوینی

گزارشی از یونس بن ظبیان - یکی از هم‌سلکان جریان مفضل بن عمر - از امام صادق علیه السلام، دال بر این است که امام قدرت تصرف در زمین را دارد. این روایت به مقام و قدرت تصرف امام در امور تکوینی اشاره می‌کند که طیف مفضل بن عمر به شکل جدی به آن عقیده داشتند (صفار، ۱۴۰۴، ۳۳۶/۱). در گزارش‌های نقل شده از جریان مفضل بن عمر باور به «نزلونا عن الربوبیه» در تعیین جایگاه و مقام معصومان علیهم السلام مشاهده می‌شود (اربلی، ۱۳۸۱: ۱۹۷؛ شیخ بهایی، ۱۳۸۴: ۳۳/۲).

#### ب) ارتباط دانشیان ری با جریان مفضل بن عمر

فضای اجتماعی، فرهنگی و تنوع مذهبی ری در زمان حاکمیت آل بویه، فضا را برای حرکت اعتدالی دانشیان امامیه و استفاده از ظرفیت احادیث اهل بیت علیهم السلام فراهم کرد. با مهاجرت برخی از شخصیت‌های حدیثی از کوفه به قم، جریان‌های حدیثی به شهر منتقل شد (گرامی، ۱۳۹۱: ۱۰۴). تعاملات و ارتباط محدثان قم با دانشیان ری باعث انتقال جریان‌ات درون مذهبی به ری شد. گرچه دانشیان مکتب حدیثی ری با سه جریان درون مذهبی (هشام بن حکم، هشام بن سالم، مفضل بن عمر) ارتباط برقرار کردند؛ اما در این میان ارتباط این دانشیان با طیف مفضل بن عمر جعفری دامنه گسترده‌تری داشت. به نظر می‌رسد اولین ارتباط جریان مفضل بن عمر با دانشیان ری با پناه‌بردن احمد بن محمد بن خالد برقی به ری - بعد اخراج از قم به اتهام غلو و روایت از ضعفا - و دیدار با حسن مادرانی در منزلش باشد (برقی، ۱۳۷۱: ۵/۱؛ جعفریان، ۱۳۷۱: ۲۷)؛ چرا که برخی در واکنش به پذیرش احمد بن محمد بن خالد برقی توسط حسن مادرانی، وی را متهم به غلو کردند (میرزایی،



بادکوبه، ۱۳۹۴: ۱۷۲). به هر حال رویکرد اعتدالی حسن مادرانی در دانشیان ری تداوم یافت تا جایی که تقریباً همه دانشیان مکتب ری نه تنها وابستگان جریان مفضل را در ری پذیرفتند بلکه با ایشان ارتباط برقرار کردند و روایات بسیاری در زمینه‌های فقهی و کلامی نقل کردند؛ برای نمونه سهل بن زیاد آدمی رازی که به علت روایت از ضعفا و اعتماد به مراسیل متهم به غلو و از قم توسط احمد بن محمد بن عیسی اخراج شد (نجاشی، ۱۸۵؛ ابن‌غضائری، ۶۶) در ری به راحتی از عبدالعظیم حسنی به اخذ حدیث پرداخت (طوسی، ۱۴۰۷: ۸۳/۹؛ ابن‌بابویه، ۱۴۱۳: ۳/۳۴۵؛ حر عاملی، وسائل الشیعة، ۱۴۰۹: ۱۹۴/۷). دیگر روایان ثقه این مکتب همچون علی بن محمد علان کلینی و محمد بن یعقوب کلینی نیز از سهل بن زیاد روایات بی‌شماری را نقل کردند (کلینی، ۱۴۰۷: ۱۰/۱، ۲۰، ۲۳، ۹۰، ۱۰۲). ابوسمینه (محمد بن علی صیرفی کوفی) که از غالیان مشهور در کوفه بود بعد از مهاجرت، ظاهراً به ری آمد و دانشیان ری با وی ارتباط برقرار کردند و روایات زیادی از او نقل کردند (کلینی، ۱۷۸/۱، ۱۹۶، ۲۱۳، ۲۲۱، ۳۱۹، ۳۴۳ و...).

ارتباط دانشیان مکتب ری با حلقه مفضل بن عمر جعفی باعث جرح تعداد زیادی از این روایان شد. با توجه به جرح و تعدیل رجالیان متقدم، روایانی که با طیف مفضل در ارتباط بودند در سه گروه طبقه‌بندی می‌شوند:

گروه اول: اشخاصی که متهم به غلو شدند؛ مانند: احمد بن علی ابوالعباس خضیب الیادی رازی (نجاشی، ۱۴۰۷: ۹۷؛ طوسی، بی‌تا، ۷۲؛ غضائری، ۱۴۲۲: ۴۰، ۴۳؛ حلی، ۱۴۱۱: ۲)، ابوالعباس طرنانی (کشی، ۱۳۴۸: ۵۲۲؛ ابن‌داود، ۱۳۸۳: ۵۶۷؛ حلی، ۲۶۸)، علی بن عباس جرادینی (نجاشی، ۱۴۰۷: ۲۵۵؛ ابن‌غضائری، ۱۴۲۲: ۷۹)، سهل بن زیاد آدمی (نجاشی، ۱۴۰۷: ۱۸۵؛ ابن‌غضائری، ۱۴۲۲: ۶۶) و حسین بن یزید بن نوفلی (نجاشی، ۱۴۰۷: ۳۸).

گروه دوم: اشخاصی که مراتبی از غلو به آنها نسبت داده شده است؛ مانند: یحیی بن یزید بن محمد بن حسان (نجاشی، ۱۴۰۷: ۳۳۸؛ ابن‌غضائری، ۱۴۲۲: ۹۵)، صالح بن ابی حماد رازی (نجاشی، ۱۴۰۷: ۱۹۸؛ ابن‌غضائری، ۱۴۲۲: ۷۰)، بکر بن عبدالله بن حبیب مزنی (ابن‌داود، ۱۳۸۱: ۴۳۲؛ حلی، ۱۴۱۱: ۲۰۸)؛ مضطرب الحدیث: محمد بن احمد بن سنان (ابن‌داود، ۱۳۴۸: ۴۹۸)؛ مضطرب الامر: منصور بن عباس رازی (نجاشی، ۱۴۰۷: ۴۱۳)؛ مضطرب الالفاظ: حسن بن عباس بن حریش رازی (نجاشی، ۱۴۰۷: ۶۰؛ ابن‌غضائری، ۱۴۲۲: ۵۱).

گروه سوم: افرادی که ضعیف بودند؛ مانند: احمد بن مهران (ابن‌غضائری، ۱۴۲۲: ۴۲)، بکر بن صالح رازی (نجاشی، ۱۴۰۷: ۱۰۹؛ ابن‌غضائری، ۱۴۲۲: ۴۴؛ حلی، ۱۴۱۱: ۴۳۲)، عبدالله بن داهر احمری (نجاشی، ۱۴۰۷: ۲۲۸؛ حلی، ۱۴۱۱: ۴۶۸)، سلمة بن خطاب (نجاشی، ۱۴۰۷: ۱۸۷) و احمد بن سری به علت اینکه علامه حلی وی را جزء مجروحین کتابش قرار داده‌اند (حلی، ۱۴۱۱: ۲۰۱).





در این گفتار فقط محدثان و متکلمان متهم به غلو که در ارتباط با جریان مفضل هستند مورد بررسی قرار می‌گیرند که آنها عبارت‌اند از: سهل بن زیاد آدمی، حسین بن یزید بن محمد عبدالملک نوفلی، علی بن عباس جرادینی، احمد بن علی ابوالعباس خضیب ایادی رازی، ابوالعباس طرنانی.

### ۱. سهل بن زیاد آدمی

سهل بن زیاد آدمی یکی از محدثان بزرگ ری است. برخی از علمای رجال او را بسیار ضعیف، فاسد المذهب و الحدیث توصیف کرده‌اند (ابن‌غضائری، ۱۴۲۲: ۶۷). گزارش‌های مختلف رجالیان در مورد سهل بن زیاد، باعث به وجود آمدن دیدگاه‌های متنوع در میان دانشجویان علم رجال و جرح و تعدیل‌های مختلف درباره‌ی وی شده است.

#### ۱-۱. تحلیل رجالی

شیخ طوسی در الفهرست سهل بن زیاد را تضعیف کرده (طوسی، بی تا، ۲۲۸)، اما همو در کتاب رجالش که متأخر است، وی را توثیق می‌کند و این دیدگاه مورد قبول برخی علما قرار گرفته است (خویی، ۱۴۱۰: ۳۳۸/۸). وحید بهبهانی از طریق عدم نیاز به توثیق شیخ اجازه، سهل بن زیاد را نیازمند توثیق نمی‌داند؛ «ثم اعلم أنّ الروایة من جهة صحیحه و إن قلنا بأنّه لیس بثقة، لکونه من مشایخ الإجازة، لوقوعه فی طبقتهم» (مجلسی، ۱۴۲۰: ۹۱)؛ ایشان، عمل به احادیث شیخ اجازه را حتی بدون توثیق، ممکن می‌دانند. همچنین وی نقل اجلاء از سهل بن زیاد را سبب توثیق وی دانسته است؛ «ذلک الوحید - قدس سره - و استشهد علیه بوجوه ضعیفة سماها أمارات التوثیق و منها: أن سهل بن زیاد کثیر الروایة و منها روایة الأجلاء عنه، و منها: کونه شیخ إجازة و منها: غیر ذلک» (خویی، ۱۴۱۰: ۳۳۹/۸). برخی نیز سهل بن زیاد را به دلیل کثرت روایت، توثیق می‌کنند. البته تمام این دلایل توثیق، مانند دلایل تضعیف قابل مناقشه است (ساعدی، ۱۴۲۶: ۱۴۵/۲).

#### ۲-۱. تحلیل مؤلفه‌ای

کتاب حدیثی متقدم از سهل بن زیاد آدمی روایات فراوانی در زمینه کلامی و فقهی نقل کرده‌اند. محور روایات کلامی او مباحث توحیدی، امامت، شئون علم امام، عالم ذر، تصرف در امور تکوینی است. گستره و دامنه روایات وی، وسعت دانش این محدث را اثبات می‌کند (مسجدی، حیدر، ۱۴۳۷: ۱۹). سهل بن زیاد آدمی روایاتی به نقل از ائمه علیهم‌السلام درباره عقل روایت کرده (کلینی، ۱۴۰۷: ۱۰۳/۱)، که بیان‌کننده اهمیت عقل در دیدگاه این راوی است. روایاتی نیز در کتاب توحید الکافی از سهل بن زیاد ذکر شده که به احتمال زیاد از کتاب توحید وی است (کلینی، ۱۴۰۷: ۹۲/۱، ۱۰۳).

از مؤلفه‌های قابل شناسایی در روایات نقل شده از سهل بن زیاد، روایات شئون امام علیه السلام همچون علم امام است؛ برای نمونه روایتی به نقل از امام جواد علیه السلام وقتی از ایشان درباره امامت امام در سن پنج یا هفت سالگی سؤال شد؟ ایشان در پاسخ می‌فرمایند: «آری و کم‌تر از پنج سال هم می‌شود» (کلینی، ۱۴۰۷: ۳۸۴/۱). در روایتی دیگر به نقل از امام موسی بن جعفر علیه السلام می‌فرمایند: «خدا صاحب دو علم است: علمی که ویژه ذات خداست و علمی که خداوند به انبیاء و رسولان و امامان عطا کرده و اگر بدها صورت بگیرد ایشان را مطلع می‌سازد» (کلینی، ۱۴۰۷: ۲۵۵/۱؛ عریضی، مسائل علی بن جعفر و مستدرکاتها، ۱۴۰۹: ۳۲۶؛ صفار، بصائرالدرجات، ۱۴۰۴: ۱۴۱۴). در روایت دیگر امام صادق علیه السلام تفسیر باطنی آیه بِكَادُ زَيْتُهَا يَضِيءُ (نور: ۳۵) را علم امام که به سبب فزونی در آستانه جاری شدن و روان شدن است، توصیف می‌کنند (کلینی، ۱۴۰۴: ۱۹۵/۱). در روایتی از امام صادق علیه السلام، یکی از میراثی که از پیامبر صلی الله علیه و آله به امام ارث می‌رسد علم ذکر شده است (کلینی، ۱۴۰۷: ۲۳۶/۱).

در روایتی به نقل از امام صادق علیه السلام آمده: خداوند علم منایا و بلایا، نسب‌های مردم و فصل الخطاب را به امام علی علیه السلام تعلیم دادند (کلینی، ۱۴۰۷: ۱۹۷/۱، ۲۲۷). در حدیثی، امام علیه السلام صاحب علم تفسیر قرآن، احکام و علم تغییر زمان معرفی شده‌اند؛ همچنین اگر خداوند امری را تغییر دهد به وسیله سماع که یکی از جهات علم امام است، ایشان را آگاه خواهد کرد (کلینی، ۱۴۰۷: ۲۲۹/۱). روایتی نیز از امام صادق علیه السلام نقل شده که ائمه هر وقت چیزی را اراده کنند، می‌دانند (صفار، ۱۴۰۴: ۳۱۵/۱؛ کلینی، ۱۴۰۷: ۲۵۸/۱). در گزارشی آورده شده: نامه‌هایی را نزد امام جواد آوردند که نام صاحب آنها مشخص نبود و امام نام صاحب نامه‌ها را می‌دانست (کلینی، ۱۴۰۷: ۵۰۷/۱).

از جمله مؤلفه‌های قابل شناسایی در روایات نقل شده از سهل بن زیاد، تصرف امام علیه السلام در امور تکوینی است. برای نمونه روایتی به نقل از امام موسی کاظم علیه السلام به سخن گفتن درخت با امام علیه السلام اشاره دارد (عریضی، ۱۴۰۹: ۳۱۵). در بین روایات تفسیری نقل شده از سهل بن زیاد گونه‌ای از روایات تفسیری شامل تفسیر آیات (کلینی، ۱۴۰۷: ۱۴/۲)، تفسیر الفاظ، تفسیر تأویل باطنی آیات مشاهده می‌شود. سهل بن زیاد، روایات تفسیری در تأویل و تفسیر برخی از آیات قرآن را نیز نقل کرده است (کلینی، ۱۴۰۷: ۱۳۲/۱، ۱۲۷، ۱۹۰، ۹۵/۲؛ صفار، ۱۴۰۴: ۶۶۴/۱؛ قمی، ۱۴۰۴: ۵۹/۲)؛ از جمله: روایاتی که تأویل آیات به ولایت اهل بیت علیهم السلام اشاره دارد را گزارش می‌کند (کلینی، ۱۴۰۷: ۱۹۵/۱، ۴۳۰، ۴۳۶؛ صفار، ۱۴۰۴: ۳۸۳/۱). شاگرد وی علی بن محمد علان نیز برخی از این روایات را از وی نقل کرده است. برای نمونه در روایتی از امام صادق علیه السلام در تفسیر ﴿فَلَا اقْتَحَمَ الْعَقَبَةَ﴾ (بلد: ۱۱) منظور از عقبه ائمه علیهم السلام هستند؛ هرکس به مشقت و زحمت در آن داخل شود، نجات می‌یابد (کلینی، ۱۴۰۷: ۴۳۰/۱؛ کوفی، ۱۴۱۰: ۵۵۷).



در بین روایات سهل بن زیاد، روایتی نیز مربوط به مؤلفه اعتقادی عهد و میثاق در عالم ذر دیده می‌شود؛ برای نمونه روایتی از امام صادق علیه السلام که خلقت ائمه علیهم السلام پیش از خلقت ملائکه و فرشتگان در عالم اظله متذکر می‌شود (کلینی، ۱۴۰۷: ۴۴۱/۱) و روایتی دیگر از امام محمدباقر علیه السلام که می‌فرماید: در عالم ذر از شیعیان ما اقرار به ربوبیت خدا و ولایت ما گرفته شد (کلینی، ۱۴۰۷: ۴۳۱/۱). در بین روایات سهل بن زیاد روایاتی علمی با مفاهمی پیچیده و دور از ذهن نیز وجود دارد که به نظر می‌رسد صدور آنها از معصوم بعید و دور از ذهن باشد (راوندی، ۱۴۰۹: ۲۳۷؛ کلینی، ۱۴۰۷: ۴۹۵/۱)؛ برای نمونه: روایات ظاهرشدن سیاره مشتری به صورت یک مرد عجم که صاحب علم بود (کلینی، ۱۴۰۷: ۳۳۰/۸)؛ همچنین روایت قرارگرفتن زمین بر روی ماهی نیز از جمله روایات دور از ذهن است (کلینی، ۱۴۰۷: ۸۹/۸؛ قمی، ۱۴۰۴: ۵۸/۲). گویا این گونه روایات خالی از اندیشه غالبان نیست. مؤلفه اعتقادی دیگری که در روایات سهل بن زیاد مشاهده می‌شود، باور وی به معیار اعتبار مدت سی روز ماه رمضان است که این عقیده در میان بزرگان قم امری مورد پذیرش بود (کلینی، ۱۴۰۷: ۱۸۴/۴؛ مفید، ۱۴۱۳: ۲۰).

### ۳-۱. تحلیل جریانی

به نظر می‌رسد علت اصلی اخراج سهل بن زیاد از قم و منع مردم از شنیدن روایات وی، تبلیغات و جریان‌سازی باشد؛ چرا که برخی از بزرگان قم در تقابل با جریان غلو و جریان مفضل بن عمر در قم بودند. شاهد این ادعا ذکر روایات فراوان از سهل بن زیاد توسط بزرگان و اجلاء حدیث همچون کلینی و حسن بن صفار است. از سوی حسن بن ولید کتاب سهل بن زیاد را به واسطه سعد و حمیری از طریق احمد بن ابی‌عبدالله روایت کرده‌اند (طوسی، بی تا، ۲۲۸). کشی به نقل از سعد از سهل بن زیاد مکاتبه برخی از اصحاب امام حسن عسکری علیه السلام با ایشان درباره ادعای علی بن حسکه ق می‌مبنی بر باب امام علیه السلام بودن را گزارش می‌کند (کشی، ۱۳۴۸: ۵۱۹). این گزارش بیانگر تلاش سهل بن زیاد مبنی بر جداسازی اندیشه خود از غالبان است.

همچنین سهل بن زیاد مکاتبه‌ای با امام حسن عسکری علیه السلام داشت. سهل بن زیاد در این مکاتبه، درباره اختلاف مردم درباره کیفیت خدا از امام علیه السلام سؤال کرد و امام پاسخ ایشان را دادند (نجاشی، ۱۴۰۷: ۱۸۵)؛ اگر امام در اعتقادات سهل بن زیاد اندیشه غالبانه مشاهده می‌کردند؛ حتماً به وی گوشزد می‌نمودند. ارتباط سهل بن زیاد با مشایخی از طیف‌های مختلف جریان هشام بن حکم، جریان هشام بن سالم جوالمقی، مفضل بن عمر قابل پی‌جویی است که در این مقال فقط ارتباط وی با جریان مفضل بن عمر پی‌جویی می‌شود.

#### ۴-۱. ارتباط سهل بن زیاد با جریان مفضل بن عمر

یکی از شواهد ارتباط سهل بن زیاد با حلقه مفضل بن عمر، نقل روایات مدح مفضل بن عمر است (کلینی، ۱۴۰۷: ۱/۳۲۰). وی روایت عرضه دین جابر بن یزید جعفی که یکی از وابستگان حلقه مفضل بن عمر است را نقل می‌کند (کلینی، ۱۴۰۷: ۱/۱۸۸). از مشایخ سهل بن زیاد که از وابستگان جریان مفضل بن عمر بودند، می‌توان محمد بن حسن بن شمعون غالی شناخته شده، فاسد المذهب، را نام برد (نجاشی، ۱۴۰۷: ۳۳۵-۳۳۷؛ ابن‌غضائری، ۱۱۴۲۲: ۹۵؛ طوسی، بی‌تا، ۴۰۲). از دیگر مشایخ وی محمد بن سنان است که از برجسته‌ترین شاگردان مفضل بن عمر است (گرامی، ۱۳۹۱: ۹۵). محمد بن سلیمان دیلمی کذاب و غالی از مشایخ دیگر سهل بن زیاد است (کشی، ۱۳۴۸: ۳۷۵؛ ابن‌غضائری، ۱۴۲۲: ۶۷؛ نجاشی، ۱۴۰۷: ۱۸۲) سهل بن زیاد روایات نسبتاً زیادی از این مشایخ نقل می‌کند (کلینی، ۱۴۰۷: ۱/۱۹۵، ۲۵، ۵۰، ۳۱۹، ۳۴۳، ۵۳۶، ۳۷۰؛ ۲/۲۷۲، ۳۷/۳). غالی مشهور، محمد بن علی کوفی با کنیه ابوسمینه (نجاشی، ۱۴۰۷: ۳۳۲؛ کشی، رجال الکشی، ۱۳۴۸: ۵۴۵؛ طوسی، بی‌تا، ۴۱۲) و محمد بن اورمه قمی که از متهمان به غلو بود، نیز از دیگر مشایخ سهل بن زیاد هستند که سهل بن زیاد از آنها روایاتی نقل کرده است (نجاشی، ۱۴۰۷: ۳۳۲).

سهل بن زیاد در ری با مشایخی همچون بکر بن صالح رازی، حسن بن عباس حریش که از ضعفا هستند (نجاشی، ۱۴۰۷: ۱۰۹؛ ابن‌غضائری، ۱۴۲۲: ۴۴) و نیز منصور بن عباس رازی که مضطرب الامر است (نجاشی، ۱۴۰۷: ۴۱۳). مشایخ نام‌برده سهل بن زیاد، هرکدام بنا بر دلایلی یا متهم به غلو هستند یا درجه‌ای از غلو به آنها نسبت داده شده است و به نحوی در ارتباط با حلقه جریان مفضل بن عمر هستند؛ بنابراین سهل بن زیاد آدمی از شاخصه‌های جریان مفضل بن عمر، ارتباط با مشایخ و وابستگان به مفضل، جرح و اتهام به غلو توسط رجالیان، داشتن باورها مشترک با طیف مفضل بن عمر را دارد.

#### ۲. حسین بن یزید بن محمد عبدالملک نوفلی

یکی دیگر از محدثان متهم به غلو که در ارتباط با جریان مفضل بن عمر بوده حسین بن یزید بن محمد است که در ذیل به تحلیل رجالی، مؤلفه‌ای و جریان‌ی این راوی پرداخته می‌شود.

#### ۱-۲. تحلیل رجالی

برخی از رجالیان، همچون شیخ طوسی و ابن‌غضائری توثیق یا تضعیفی درباره حسین بن یزید نوفلی بیان نکرده‌اند. نجاشی با بیان اینکه عده‌ای از قمیون گفته‌اند: وی در آخر عمرش غالی شد



تصریح می‌کند که روایاتی دلالت‌کننده بر غلو وی ندیده است (نجاشی، ۱۴۰۷: ۳۸) ابن‌غضائری درباره حسین بن یزید نوفلی سکوت کرده است (کلینی، ۱۴۰۷: ۱۳۷/۱؛ خزاز رازی، ۱۴۰۱: ۱۴۴؛ ابن‌بابویه، ۱۳۹۸: ۵۴۳/۲؛ جزائری، بی‌تا، ۴۰۷/۳) و محمدطه نجف وی را تضعیف می‌کند (تبریزی نجفی، بی‌تا، ۲۷۸) آیت‌الله خوئی وی را هیچ توثیق یا تضعیف نکرده است (خویی، ۱۴۱۰: ۶۸/۱۲). پژوهشگر معاصر، بهبودی وی را تضعیف می‌کند و وی را در شمار ضعفا قرار می‌دهد (بهبودی، ۱۳۶۲: ۱۳۸).

## ۱-۲. تحلیل مؤلفه‌ای

کتاب تقیه حسین بن یزید نوفلی امروزه در دسترس نیست. کتاب سنت او را نیز برخی پژوهشگران علاوه بر تفرد در روایت، از اسماعیل بن ابی‌زیاد به حساب می‌آورند (بهبودی، معرفة الحدیث، ۱۳۶۲: ۱۳۸) با این حال روایات بسیاری در کتب متقدم به نقل از حسین بن یزید نوفلی، یافت می‌شود. محور روایات حسین بن یزید نوفلی، روایات فقهی، توحیدی و علم امام است. روایات توحیدی حسین بن یزید نوفلی در رابطه با وحدانیت، ربوبیت خداوند (طبری آملی، ۱۳۸۳: ۹۲)، نفی تشبیه و کیفیت خداوند است (کلینی، ۱۴۰۷: ۱۱۲/۱).

حسین بن یزید نوفلی روایاتی درباره علم امام نقل می‌کند؛ برای نمونه: در روایتی از امام علی علیه السلام نقل شده که ایشان خود را علم، دل، چشم، زبان گویا و جنب و پهلوی خدا معرفی می‌کنند (ابن‌بابویه، ۱۳۹۸: ۱۶۴). در روایتی از امام صادق علیه السلام نقل شده که فرمودند: خداوند صاحب علمی است که غیر از خداوند کسی آن را نمی‌داند و علمی که به ملائکه، انبیاء و رسولان خود افزوده کرده، ائمه علیهم السلام هم آن علم را می‌دانند (ابن‌بابویه، ۱۳۹۸: ۱۳۸).

مؤلفه دیگر قابل‌شناسایی در روایات نقل‌شده از حسن بن یزید نوفلی، روایت عالم‌ذر و میثاق است. او در روایتی از امام باقر علیه السلام از امام سجاد علیه السلام نقل کرده که امام پس از بیان خلقت طینت ملائکه، به آفرینش طینت امام علیه السلام و آفرینش طینت شیعیان از طینت امامان اشاره کرده است (صفار، بصائرالدرجات، ۱۴۰۴: ۱۷/۱). در نیز روایتی طولانی به نقل از امام صادق علیه السلام که ایشان با توجه به آیه **﴿إِنَّ اللَّهَ فَالِقُ الْحَبِّ وَالنَّوَى﴾** می‌فرماید: هنگامی که خداوند اراده کرد آدم را خلق کند و... طینت مؤمن را محب و دوستدار خود آفرید و طینت کافر «نوی» را از هر خوبی دور کرد (کلینی، ۱۴۰۷: ۵/۲). در روایت دیگری به نقل از امام موسی بن جعفر علیه السلام در تفسیر باطنی آیه **﴿يُوفُونَ بِالنَّذْرِ﴾** (الدهر: ۷) منظور از پیمان، پیمان به ولایت ائمه علیهم السلام را ذکر کردند (کلینی، ۱۴۰۷: ۵/۲).

در بین روایات نقل شده از حسین بن یزید نوفلی، روایاتی در تأویل و تفسیر برخی از آیات یافت می‌شود (کلینی، ۱۴۰۷: ۵/۲، ۱۹۰/۴؛ قمی، ۱۴۰۴: ۳۸۸/۱، ۳۴۲/۲)؛ برای نمونه در روایتی به نقل از امام صادق علیه السلام تفسیر باطنی آیه «الم ذلک الکتاب لا زب فیہ هدی للمتقین الذین یؤمنون بالغیب فقَالَ الْمُتَّقُونَ» (بقره: ۲ و ۳) فرمودند: «الْمُتَّقُونَ» شیعیان علی علیه السلام هستند و منظور از «الْغَیْبِ» حجت غایب است و شاهد آن آیه ۵۰ سوره مؤمنون: «وَجَعَلْنَا ابْنَ مَرْيَمَ وَ أُمَّهُ آيَةً» است (ابن بابویه، ۱۳۹۵: ۱۸/۱). در روایتی دیگر به نقل از ابن عباس به نقل از پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم، ایشان در تأویل آیه «وَالسَّمَاءِ ذَاتِ الْبُرُوجِ» (بروج: ۱) می‌فرماید: آسمان تقسیم شده به آسمان و برج‌ها که منظور آسمان، پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم و منظور از بروج، ائمه علیهم السلام هستند؛ اولین ایشان امام علی علیه السلام و آخرین ایشان مهدی علیه السلام است (مفید، ۱۴۱۳: ۲۲۴).

در بین روایات نقل شده از حسین بن یزید نوفلی روایت اعتبار طول مدت سی روز ماه رمضان نیز مشاهده می‌شود. این روایت را محمد بن عون اسدی با چند واسطه از حسین بن یزید نوفلی نقل کرده است (ابن بابویه، الخصال، ۱۳۶۲: ۵۳۱/۲).

## ۲-۲. تحلیل جریانی

به نظر می‌رسد علت اتهام غلو حسین بن یزید نوفلی، به دلیل رقابت‌های جریانی و جریان‌سازی و بسط آنها باشد؛ چراکه نجاشی روایتی که دلالت بر غالی بودن حسین بن یزید نوفلی باشد، ندیده است. در طریق حسین بن یزید نوفلی افرادی همچون فضل بن شاذان، ابراهیم بن هاشم وجود دارند. علی بن ابراهیم از پدرش روایات فراوانی از حسین بن نوفلی نقل می‌کند (کلینی، ۱۴۰۷: ۱۲/۱، ۴۰، ۴۶، ۵۲، ۵۴، ۷۲، ۳۲۹؛ ۱۷۶/۳، ۲۱۰؛ ۱۰/۴، ۹۴، ۶۴۰). محمد بن احمد بن عیسی با وجود حساسیت زیاد نسبت به جریان غلو و روایات غلوآمیز از حسین بن یزید نوفلی روایت نقل می‌کند. این نقل‌ها نشان از پذیرش روایات نوفلی در بین بزرگان قم است (کلینی، ۱۴۰۷: ۲۳۰/۸؛ طوسی، ۱۴۰۷: ۱۷۵/۷، ۲۸۹/۱۰؛ طوسی، ۱۴۰۶: ۱۲۲/۳؛ حر عاملی، ۱۴۰۹: ۴۰۳/۱۸).

حسین بن یزید نوفلی ارتباط گسترده‌ای با اسماعیل بن ابی‌زیاد سکونی دارد. علامه حلی سکونی را عامی مذهب می‌داند (حلی، رجال العلامة الحلی، ۱۴۱۱: ۹)؛ اما دلیل تضعیف نوفلی عامی مذهب بودن اسماعیل بن ابی‌زیاد سکونی نیست؛ چراکه دیدگاه رجالیان متقدم درباره‌ی رایان اهل سنت به جز در موارد نادر تضعیف نیست (جلالی، مهدی و رباطی، سمانه، ۱۳۹۵: ۱۶۴). تنها علامه حلی از علمای متأخر، حکم به عامی بودن سکونی داده است. پژوهش‌ها نشان می‌دهد که سکونی در دربار عباسیان قاضی بوده و تحت شرایطی مذهب خود را پنهان کرده است (مجلسی، ۱۴۰۶: ۵۹).



حسین بن یزید نوفلی تنها سه روایت از محمد بن سنان - یکی از شاگردان برجسته مفضل بن عمر - روایت می کند؛ اما در حلقه شاگردان وی افرادی متهم به غلو، فاسد المذهب و ضعیف، همچون سهل بن زیاد آدمی، احمد بن محمد خالد برقی و صالح بن ابی حماد (کلینی، ۱۴۰۷: ۵۲/۱، ۶۰، ۱۱۲، ۱۳۷، ۱۹۰/۴؛ ۳۴۹/۸؛ طوسی، ۱۴۰۷: ۱۱۰/۴؛ ۱۷۵/۶، ...) مشاهده می شود. این سه راوی از وابستگی به جریان مفضل بن عمر هستند؛ بنابراین به نظر می رسد حسین بن یزید نوفلی در مؤلفه های اعتقادی با قمیون اختلافی ندارد. ایشان باور به عدم انقطاع وحی بعد از پیامبر ﷺ دارد. باور به عالم ذر و اظله نیز در روایات ایشان مشهود است. حسین بن یزید نوفلی، در عقیده به اعتبار مدت سی روز ماه رمضان با قمیون هم عقیده است. ایشان به برخی روایات تفسیری باطنی آیات قرآن توجه داشت. پس علت اتهام به غلو حسین بن یزید نوفلی ارتباط با جریان مفضل بن عمر است. این ارتباط از طریق شاگردان وی - یعنی سهل بن زیاد آدمی، احمد بن خالد برقی و صالح بن ابی حماد رازی - صورت گرفته است. حسین بن یزید نوفلی از شاخصه های جریان مفضل بن عمر عقائد و باورهای نسبتاً مشترک، رابطه استاد و شاگردی، روایات تفسیری باطنی، جرح و اتهام توسط رجالیون را دارد. تقابل جریان هشام بن سالم در قم با جریان مفضل بن عمر باعث تبلیغات منفی و جریان سازی علیه وی شده است.

### ۳. احمد بن علی ابوالعباس خضیب ایادی رازی

نجاشی به نقل از بزرگان شیعه درباره وی چنین گزارش می کند: آن طور که می خواستیم نبود. درباره وی گفته شده: در احمد بن علی ابوالعباس غلو و ارتقاع وجود دارد. صاحب کتاب هایی چون: کتاب الشقاء و الجلاء فی الغیبه، کتاب فرائض و کتاب آداب است (نجاشی، ۱۴۰۷: ۹۷).  
شیخ طوسی او را مورد اطمینان در حدیث نمی داند و او را متهم به غلو توصیف کرده است و حسین بن عبیدالله از محمد بن احمد بن داود و هارون بن موسی تلعبکری همگی از وی روایت کرده اند (طوسی، بی تا، ۷۲).

ابن غضائری در جرح او می نویسد: احمد بن علی ابوالعباس رازی، صاحب کتاب الشفاء و الجلاء و ضعیف است. پدرم (حسین بن غضائری) برای من روایت کرد که وی در مذهبش ارتقاع دارد (در دیدگاه ابن غضائری الفاظی مانند: کان شهیراً فی ارتقاع، فی مذهب ارتقاع، مرتفع القول) هر سه بر غلو اشاره دارد). برخی احادیث وی پذیرفته و برخی پذیرفته نیست (ابن غضائری، ۱۴۲۲: ۴۳).  
علامه حلی درباره وی می گوید: مورد اطمینان در حدیث نیست و متهم به غلو است. احمد بن علی ابوالعباس رازی کتاب الشقاء و الجلاء فی الغیبه دارد؛ اما شیخ طوسی وی را تحسین کرده است (حلی، ۱۴۱۱: ۲۰۴).



### ۱-۳. تحلیل رجالی

ابوالعباس احمد بن علی خضیب الایادی در کتب رجالی متقدم، متهم به غلو و ارتفاع مذهب شده است (نجاشی، ۱۴۰۷: ۹۷؛ طوسی، بی تا، ۷۲؛ ابن غضائری، ۱۴۲۲: ۴۳) برخی همچون ابن غضائری (به نقل از پدرش) وی را به ارتفاع در مذهب متهم کرد؛ اما نه تنها دلیلی اقامه نمی کند؛ بلکه برخی احادیث وی را می پذیرد و برخی را نمی پذیرد (مامقانی، ۱۴۳۱: ۳۳۹/۶) به نظر می رسد ابن غضائری با تردید وی را متهم به ارتفاع در مذهب می کند و ابن غضائری تنها نقل پدرش را ذکر کرده باشد. نجاشی نیز که در ضبط بسیار دقیق است، با ذکر لفظ: «قیل: ...» یعنی برخی علماء شیعه گفته اند که وی غالی و مرتفع المذهب است، دیدگاه خود را بیان و دلایل متقنی برای غلو احمد بن علی خضیب، اقامه نمی کند. حائری درباره گزارش نجاشی مبنی بر «لم یکن بذاک الثقة، أو لم یکن بذاک» چنین بیان می دارد که این کلمه نه تنها بر مورد اعتماد نبودن وی دلالت نمی کند بلکه این قول آنها به مدح نزدیک تر است تا به مذمت وی (مازندرانی حائری، ۱۴۱۶: ۲۸۶/۱).

ابن بابویه نیز در کتاب تاریخ ری، او را یکی از غلات شیعه معرفی می کند (امین، ۱۴۰۳: ۴۲/۳) شیخ طوسی با صراحت درباره غلو احمد بن علی خضیب الایادی سخنی بیان نمی کند؛ بلکه اتهام دیگران را نقل می کند. شیخ در کتاب الغیبه، از وی روایاتی را نقل و طریق خود را به بعضی از آنها ذکر کرده است که نشانه اعتماد وی به روایات احمد بن علی خضیب الایادی است (طوسی، ۱۴۱۱: ۱۳، ۱۳۵، ۱۴۷، ۱۵۸، ۱۷۸، ۱۸۹، ۲۰۶، ۲۱۸، ۲۲۹، ۲۳۸، ۲۴۰، ۲۵۴، ۲۵۸، ۲۶۳) علامه حلی در شرح حال احمد بن علی تحسین کتاب الشقاء و الجلاء فی الغیبه توسط شیخ طوسی را مطرح می کند (حلی، ۱۴۱۱: ۲۰۴) آیت الله خویی با بیان سخن شیخ مبنی بر اتهام غلو وی راه روش شیخ طوسی را در مورد احمد بن علی صحیح می داند و نظر شیخ طوسی را می پذیرد (خویی، ۱۴۱۰: ۱۵۴/۲).

رجالیان اهل سنت نیز احمد بن علی را در کتب رجالی خود تضعیف کرده اند (ابن حجر عسقلانی، ۱۹۷۱: ۹۲/۱).

گزارش های رجالیان درباره احمد بن علی خضیب الایادی به صورت صریح نیست. نجاشی با همه دقت در ضبط به نقل قول بزرگان اکتفا می کند. ابن غضائری نیز فقط به نقل از پدرش می پردازد. شیخ طوسی نیز گرچه احمد بن علی خضیب الایادی را قابل اطمینان نمی داند اما وی را مورد تحسین قرار می دهد.



### ۲-۳. تحلیل مؤلفه‌های

کتاب الشقاء و الجلاء فی الغیبة، احمد بن علی مورد تحسین شیخ طوسی قرار گرفت. شیخ طوسی در فصول مختلف کتابش روایاتی که دلالت بر امامت و ولایت ائمه علیهم‌السلام به‌ویژه امام مهدی علیه‌السلام دارد، از وی نقل می‌کند. در بین روایات احمد بن علی، روایات تفسیری که حاوی تأویلات و تطبیقات آیات قرآن است، دیده می‌شود که علاقه وی به تفسیر آیات قرآن را نشان می‌دهد. برای نمونه در تفسیر آیه **«قَالَ أَرَأَيْتُمْ إِنْ أَصْبَحَ مَاؤُكُمْ غَوْرًا فَمَنْ يَأْتِيكُمْ بِمَاءٍ مَعِينٍ»** (ملک: ۳۰) منظور از ماء معین در این آیه را حضرت قائم علیه‌السلام، تأویل می‌کند (طوسی، ۱۴۱۱: ۱۵۹). در روایتی از ابن عباس، جبرئیل صحیفه‌ای برای پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم از جانب خداوند می‌آورد؛ جبرئیل بر باقی‌گذاشتن این کتاب و عمل به آن توسط اوصیاء بعد از پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم تأکید می‌کند (طوسی، ۱۴۱۱: ۱۳۴).

در روایتی به نقل از امام صادق علیه‌السلام، ائمه به اخبار آسمان و زمین و حلال و حرام آگاه هستند (طوسی، ۱۴۱۱: ۱۵۸). در روایتی دیگر به نقل از پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم در شبی که پیامبر به معراج رفتند خداوند، پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم و اهل بیت علیهم‌السلام را از شبخ نوری خلق کرد و ولایت اهل بیت علیهم‌السلام را به زمین عرضه کرد؛ هر کس ولایت ایشان را پذیرفت مومن و هر کس ولایت را نپذیرفت کافر است (طوسی، ۱۴۱۱: ۱۴۸-۱۴۷).

### ۳-۳. تحلیل جریانی

به نظر می‌رسد اتهام به غلو احمد بن علی خضیب‌الایادی، بیشتر تحت تأثیر جریان‌سازی‌های مکتبی و تبلیغاتی باشد؛ شاهد این ادعا، تحسین شیخ طوسی از کتاب الشقاء و الجلاء احمد بن علی خضیب‌الایادی است.

روایاتی که از احمد بن علی در کتاب الغیبه شیخ طوسی نقل شده، حاکی از ارتباط احمد بن علی خضیب‌الایادی با محمد بن علی جعفری است (طوسی، ۱۴۱۱: ۲۷۰). احمد بن علی الخضیب، با حسین بن محمد قمی (طوسی، ۱۴۱۱: ۱۴۷، ۲۰۶، ۲۱۸)، استاد خبیری ارتباط دارد. خبیری بن علی بن طحان، از شاگردان مفضل بن عمر و با وی ارتباط دارد و از مفضل روایت نقل می‌کند (کلینی، ۱۴۰۷: ۴۷۴/۱). مفضل بن عمر متهم به اضطراب در حدیث و مذهب است (نجاشی، ۱۴۰۷: ۴۱۶؛ کشی، ۱۳۴۸: ۳۲۱).

خبیری همچنین با یونس بن ظبیان ارتباط داشته است (کلینی، ۱۴۰۷: ۴۶۱/۱). وی یکی از شاگردان مفضل بن عمر است؛ بنابراین به نظر می‌رسد، مؤلفه‌های اعتقادی احمد بن علی خضیب‌الایادی، درباره علم امام اعتقاد به عدم انقطاع وحی و علم موروثی ائمه علیهم‌السلام و آگاهی امام به اخبار غیبی است. همچنین مؤلفه باور به عالم اظله و اشباح نیز در باور وی مشاهده می‌شود و هیچ اختلافی با باور قمیون ندارد.

ارتباط احمد بن علی خضیب الایادی با خیبری و ارتباط خیبری با شاگردان مفضل، عامل اتهام به غلو وی است؛ چرا که قمیون از وابستگان جریان هشام بن سالم و در تقابل با طیف مفضل بن عمر بودند و هر راوی با این طیف ارتباط داشت آگاهانه و غیر آگاهانه وی را تضعیف می‌کردند. احمد بن علی خضیب الایادی از شاخصه‌های جریان مفضل بن عمر ارتباط با شاگردان مفضل بن عمر، جرح و تضعیف توسط رجالیان و داشتن عقائد و باورهای مشترک را دارد.

بنابراین، به نظر می‌رسد، مؤلفه‌های اعتقادی احمد بن علی خضیب الایادی، درباره علم امام، اعتقاد به عدم انقطاع وحی و علم موروثی ائمه و آگاهی امام به اخبار غیبی و همچنین مؤلفه باور به عالم اظله و اشباح نیز در باور وی مشاهده می‌شود که هیچ اختلافی با باور قمیون ندارد.

#### ۴. علی بن عباس جرادینی

نجاشی در شرح علی بن عباس جرادینی چنین می‌نویسد: علی بن عباس جرادینی ضعیف است و تمایل به غلو دارد. کتاب‌های الآداب، المروءات و رد علی السلمانیه (طایفه‌ای از غلات) از آثار اوست (نجاشی، ۱۴۰۷: ۲۵۵). در گزارش ابن‌غضائری علی بن عباس جرادینی چنین توصیف شده است: «مشهور به ابوالحسن رازی، تصنیفی در ممدوحین و مذمومین دارد؛ این کتاب دلالت بر پستی و نابودی مذهبش دارد. به وی و روایاتش توجهی نیست» (ابن‌غضائری، ۱۴۲۲: ۷۹).

#### ۱-۴. تحلیل رجالی

رجالیان متقدم و متأخر، علی بن عباس جرادینی را تضعیف و متهم به غلو کردند (نجاشی، ۱۴۰۷: ۲۵۵؛ حلی، ۱۴۱۱: ۲۳۴؛ ابن‌غضائری، ۱۴۲۲: ۷۹؛ ابن‌داود، ص ۴۸۴). ابن‌غضائری با نسبت دادن کتابی با عنوان ممدوحین و مذمومین به وی، این کتاب را دلیلی بر پستی و نابودی مذهبش می‌داند (ابن‌غضائری، ۱۴۲۲: ۷۹). در مقابل نجاشی که به دقت در ضبط مشهور است، دلیلی برای اتهام غلو وی بیان نمی‌کند؛ بلکه فقط به کتاب‌های آداب و المروءات و رد سلمانیه اشاره می‌کند. این کتاب به علی بن عباس جرادینی از طریق محمد بن حسن طائی که از اهل حدیث ری بود، نسبت داده شد (محسنی، ۱۴۳۲: ۲۷۶) و کتابی با عنوان ممدوحین و مذمومین را به وی نسبت نمی‌دهد. نجاشی در ترجمه وی سخنی را از قول برخی محدثان بیان می‌کند که کلینی اجازه روایت کتاب‌های علی بن عباس جرادینی را به محدثان بغداد داد (نجاشی، ۱۴۰۷: ۲۵۵). کلام نجاشی دلالت بر صحیح بودن محتویات کتاب‌های وی از جانب کلینی است (حسین‌پوری، ۱۳۹۳: ۸۴).



شیخ طوسی درباره علی بن عباس جرادینی سکوت کرده و علامه مجلسی علی بن عباس جرادینی را تضعیف می‌کند (مجلسی، ۱۴۲۰: ۱۲۴) و روایات نقل شده از وی در الکافی را ضعیف می‌داند (مجلسی، ۱۴۰۴: ۳/۲؛ ۷؛ ۲۴۶/۷، ۴۷۴؛ ۳۲۳/۱۸؛ ۲۰۲/۲۵). آیت‌الله خویی علی بن عباس را توثیق و تضعیف نمی‌کند؛ بلکه فقط دیدگاه نجاشی و ابن‌غضائری را ذکر می‌کند (خویی، ۱۴۱۰: ۶۸/۱۲). پژوهشگر معاصر بهبودی احادیث وی را ضعیف می‌داند؛ روایات وی در الکافی را بی‌پایه‌و‌اساس و مخلط تلقی می‌کند (ساعدی، ۱۴۲۶: ۴۲۱/۲).

#### ۲-۴. تحلیل مؤلفه‌ای

با وجود اینکه چندین کتاب به علی بن عباس جرادینی نسبت داده‌اند اما روایات بسیار اندکی از وی در کتب و منابع حدیثی یافت می‌شود. روایات نقل شده از وی با محوریت مباحث توحیدی، فقهی، رسالت پیامبر ﷺ و تفسیری بوده و از میان آن‌ها، دامنه روایات فقهی ایشان بیشتر از سایر موضوعات است (ابن بابویه، ۱۴۱۳: ۱۶۹/۲، ۱۸۸، ۲۷۷؛ ۱۲۴/۳، ۲۳۹؛ ۳۴/۴، ۱۶۶، ۴۰۱، ۲۰۷، ۱۷۱) و برخی از روایات او به تفسیر و تأویلات و بیان مصادیق آیات درباره حضرت علی علیه السلام و ولایت ایشان و فضایل قرآن اشاره دارد؛ برای نمونه در روایتی نسبتاً طولانی از امام باقر علیه السلام برخی از گونه‌های تفسیری آیات اشاره شده است؛ امام علیه السلام منظور از «الْحَقُّ بِكَلِمَاتِهِ» در آیه «وَيَمُحُّ اللَّهُ الْبَاطِلَ وَيُحِقُّ الْحَقَّ بِكَلِمَاتِهِ» (شوری: ۲۴) را ولایت که حق اهل‌بیت علیهم السلام تفسیر می‌کند و یا در همین روایت امام علیه السلام در تفسیر باطنی «ذَهَبَ اللَّهُ بِنُورِهِمْ وَتَرَكَهُمْ فِي ظُلُمَاتٍ لَا يَبْصُرُونَ» (بقره: ۱۸) می‌فرماید: «خداوند جان پیامبر صلی الله علیه و آله را گرفت و با رحلت ایشان تاریکی به وجود آمد که دشمنان برتری خاندانش را نبینند».

همچنین امام علیه السلام در تفسیر باطنی آیه «وَإِنْ تَدْعُوهُمْ إِلَى الْهُدَى لَا يَسْمَعُوا وَتَرَاهُمْ يَنْظُرُونَ إِلَيْكَ وَهُمْ لَا يَبْصُرُونَ» (اعراف: ۱۹۸) می‌فرماید: «منظور علمی است که پیامبر صلی الله علیه و آله به وصی خود می‌دهد» و نیز، امام علیه السلام در تفسیر باطنی آیه «زَيِّتُهَا يَضِيءُ وَ لَوْ لَمْ تَمْسَسْهُ نَارٌ نُورٌ عَلَى نُورٍ يَهْدِي اللَّهُ لِنُورِهِ مَنْ يَشَاءُ» (نور: ۳۵) می‌فرماید: علم سرشاری که خداوند به امام علیه السلام می‌دهد همان علمی است که به نبوت بیان می‌شود؛ اگرچه فرشته بر آنها نازل نشده باشد (کلینی، ۱۴۰۷: ۲۸۷/۸-۳۸۰). این روایات دلالت دارد به علمی که از پیامبر صلی الله علیه و آله به امام ارث می‌رسد و همچنین به یکی از راه‌های دریافت علم امام از طریق شنیدن صدای فرشته اشاره دارد.

#### ۴-۳. تحلیل جریانی

به نظر می‌رسد اتهام غلو و تضعیف علی بن عباس جراذینی و بسط آن، به دلیل تقابل و رقابت جریانی و جریان‌سازی باشد. شاهد این مدعا کتاب علی بن عباس در رد غلات سلمانیه<sup>۱</sup> است (اشعری، سعد بن عبدالله، المقالات و الفرق، ۱۳۶۰: ۶۱) است. از سویی نقل بزرگانی همچون کلینی در الکافی از وی و همچنین اجازه روایت کتاب‌های علی بن عباس جراذینی به محدثان بغداد (نجاشی، ۱۴۰۷: ۲۵۵) نشان از صحیح بودن روایات وی در دیدگاه کلینی است. روایات نفی تجسیم خداوند (کلینی، ۱۴۰۷: ۱۰۶/۱، ۳۸/۲-۳۹) احتمال غالی بودن وی را رد می‌کند؛ زیرا از عقائد غالیان نسبت دادن الوهیت به امامان و تجسیم خداوند بود.

علی بن عباس جراذینی یکی از مهم‌ترین شاگردان قاسم بن ربیع صحاف و روایات فراوانی از وی نقل می‌کند (گرامی، ۱۳۹۱: ۹۶) قاسم بن ربیع صحاف، یکی از حلقه‌های نسل دوم جریان مفضل بن عمرو و شاگرد محمد بن سنان است (گرامی، ۱۳۹۱: ۹۵-۹۶).

از شاگردان علی بن عباس جراذینی، محمد بن اسماعیل برمکی است که در ارتباط با علی بن عباس جراذینی و روایات زیادی از وی نقل می‌کند (کلینی، ۱۴۰۷: ۱۲۵/۱؛ حر عاملی، ۱۴۰۹: ۲۵۱/۱). محمد بن اسماعیل برمکی با طیف مفضل بن عمر در ارتباط است و ابن غضائری نیز او را تضعیف کرده است (ابن غضائری، ۱۴۲۲: ۹۷). علی بن عباس جراذینی در تقابل با جریان هشام بن حکم روایت مذمت، باور تجسیم هشام بن حکم را نقل می‌کند که از ارتباط وی با جریان مفضل بن عمر را نشان می‌دهد (کلینی، ۱۴۰۷: ۱۰۶/۱).

به نظر می‌رسد مؤلفه علم امام در باور علی بن عباس جراذینی اعتقاد به علم موروثی امام و عدم انقطاع وحی بعد از رحلت پیامبر ﷺ است که با عقائد قمیون اختلاف ندارد. او با محمد بن اسماعیل برمکی و قاسم بن ربیع صحاف در ارتباط بوده که حاکی از ارتباط با جریان مفضل بن عمر است؛ علی بن عباس از شاخصه‌های جریان مفضل بن عمر، اتهام به غلو از سوی رجالیان را دارد. در بین روایات تفسیری وی، روایاتی به نقل از جابر بن یزید جعفی مشاهده می‌شود که یکی از وابستگان به جریان مفضل است. همچنین در مؤلفه علم امام دیدگاه مشترکی با جریان مفضل بن عمر دارد و روایت مذمت هشام بن حکم را نقل کرده است. از آنجا که جریان مفضل بن عمر با دو طیف هشامین در تقابل است. این تقابل سبب شد که آگاهانه یا نا آگاهانه نسبت‌هایی به علی بن عباس داده شود که خود چنین باوری نداشته است.

۱. این گروه، کسانی هستند که می‌گویند: سلمان پروردگار است و حضرت محمد ﷺ مردم را به سوی او می‌خواند.



## ۵. ابوالعباس طرنانی

در بین رجالیان متقدم، فقط کشی در گزارشی شرح حال ابوالعباس طرنانی را نگاشته است. در این گزارش چنین بیان شده است: «نصر بن صباح گفت: عباس بن صدقه و ابوعباس طرنانی و ابوعبدالله کنندی معروف بشاه رئیس از غلات، بزرگ و ملعون هستند» (کشی، ۱۳۴۸: ۵۲۲). ابن داوود حلی به تبعیت از کشی، در گزارشی چنین می‌نویسد: «ابو عباس طرنانی دروغگو و غالی است» (حلی، ۱۴۱۱: ۵۶۷). علامه حلی در گزارش مبسوطی در ترجمه ابوالعباس چنین می‌نویسد: «عبدالرحمن کنندی گفت: فضل بن شاذان در برخی از کتاب‌هایش دروغگویان مشهور را برشمرده است؛ از جمله این افراد، علی بن حسکه، عباس بن صدقه و ابوعباس طرنانی و عبدالرحمن کنندی معروف بشاه که رئیس آنان بود و نصر بن صباح گفت: عباس بن صدقه، ابوالعباس طرنانی و عبدالرحمن کنندی از بزرگان غلات و ملعون هستند» (حلی، ۱۴۱۱: ۲۶۸).

## تحلیل رجالی

شیخ طوسی با وجود دسترسی به گزارش ذکرشده در کتاب کشی در کتاب رجالی خود ترجمه‌ای از ابوعباس طرنانی ذکر نمی‌کند. نجاشی نیز با تمام دقتی که در ضبط دارد، شرح حالی از ابوالعباس به میان نمی‌آورد. در این میان تنها کشی در گزارشی به نقل از نصر بن صباح، ابوالعباس طرنانی و چند شخصیت دیگر را به افکار غالیانه و طعن، متهم می‌کند؛ این در حالی است که در گزارش نجاشی نصر بن صباح ابوالقاسم بلخی یکی از غالیان (نجاشی، ۱۴۰۷: ۴۲۸) - فرقه طیاره - است (طوسی، ۴۴۹؛ نجاشی، ۱۴۰۷: ۴۲۸؛ کشی، ۱۳۴۸: ۱۸، ۳۲۲). علامه حلی به گفته کشی اعتماد کرده و ابوالعباس طرنانی را تضعیف نمود. صاحب اعیان الشیعه، ابوالعباس را هم عصر امام علی بن محمد هادی علیه السلام می‌داند. با اشاره به کلام فضل بن شاذان در کتاب‌هایش به شهرت کذب طرنانی معتقد نیست (امین، ۱۴۰۳: ۲۳۷۲)؛ بنابراین، با توجه به غالی بودن نصر بن صباح فقط می‌توان اتهام وی مبنی بر غالی بودن ابوالعباس طرنانی را پذیرفت. ولی ثابت کردن این ادعای نصر بن صباح، نیاز به تحلیل مؤلفه‌ای و جریانی دارد که به علت فقدان روایت از وی در کتب حدیثی این امکان وجود ندارد (ساعدی، ۱۴۲۶: ۴۹۳/۳).

## نتیجه گیری

بر اساس آنچه به تفصیل در متن مقاله گذشت، می توان مطالب زیر را به عنوان نتایج مطرح کرد:  
۱- دانشیان مکتب حدیثی ری برخلاف محدثان مکاتب قم و بغداد وابستگان طیف مفضل بن عمر را طرد نکرده و به آنها نسبت غلو ندادند و در ارتباط و تعامل با جریان مفضل بن عمر، رویکردی اعتدالی را پیش گرفتند و به صورت فراگیر با وابستگان این جریان ارتباط برقرار کردند و به نشر احادیث این طیف همت گماردند. این ارتباط تا آنجا پیش رفت که ثقات و بزرگانی همچون کلینی روایات بسیاری از این جریان در کتاب الکافی نقل کردند.

۲- وابستگان جریان مفضل بن عمر گرچه مورد اطمینان بزرگانی همچون احمد بن محمد بن عیسی اشعری، محمد بن حسن صفار و کلینی قرار گرفتند اما به علت تقابل جریان دو جریان درون مذهبی هشامین با جریان مفضل بن عمر مورد طعن برخی از رجالیان و بزرگان قم واقع شده اند و از قم طرد گشته اند.

۳- ارتباط گسترده دانشیان مکتب حدیثی ری با وابستگان جریان مفضل بن عمر نیز باعث شد که برخی از این دانشیان مورد طعن رجالیان و برخی از محدثان قرار گیرند.

۴- رجالیان، برخی از این دانشیان را تضعیف، برخی را نیز غالی و یا متهم به مراتبی از غلو دانستند؛ اما بررسی ها نشان داد جرح این راویان بیشتر به خاطر تقابل جریان و تبلیغات منفی علیه جریان مفضل بن عمر بوده و ارتباط دانشیان ری با این جریان سبب اتهام و جرح آنها را در پی داشته است.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
پرتال جامع علوم انسانی





## فهرست منابع

۱. قرآن کریم، ترجمه: ابوالفضل بهرام پور، تهران: مؤسسه نشر شهر، ۱۳۸۸ ش.
۲. ابن بابویه، محمد بن علی، التوحید، قم: جامعه مدرسین، ۱۳۹۸ ق.
۳. ابن بابویه، محمد بن علی، محقق/مصحح: غفاری، علی اکبر، الخصال، قم: جامعه مدرسین، ۱۳۶۲ ش.
۴. ابن بابویه، محمد بن علی، محقق/مصحح: غفاری، علی اکبر، من لایحضر الفقیه، قم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، چاپ دوم، ۱۴۱۳ ق.
۵. ابن بابویه، محمد بن علی، محقق/مصحح: غفاری، علی اکبر، کمال الدین و تمام النعمة، تهران: اسلامیة، چاپ دوم، ۱۳۹۵ ق.
۶. ابن حجر عسقلانی، احمد بن علی، محق: دائرة المعارف النظامية، لسان المیزان، بیروت: مؤسسة علمی للمطبوعات، ۱۳۹۰ ق/۱۹۷۱ م.
۷. ابن غضائری، احمد بن حسین، الرجال، قم: مؤسسه علمی فرهنگی دارالحدیث، ۱۴۲۲ ق.
۸. اربلی، علی بن عیسی، محقق/مصحح: رسولی محلاتی، سید هاشم، کشف الغمة فی معرفة الأئمة، تبریز: ۱۳۸۱ ق.
۹. اسدی جزائری، عبدالنبی بن سعدالدين، تحقیق: مؤسسه هداية لآحیاء التراث، حاوی الاقوال فی معرفة الرجال، قم: مؤسسه هداية لآحیاء التراث، بی تا.
۱۰. اشعری، سعد بن عبدالله، مصحح: مشکور، محمد جواد، المقالات و الفرق، تهران: شرکت انتشارات علمی و فرهنگی، ۱۳۶۰ ش.
۱۱. امین عاملی، محسن، اعیان الشیعة، بیروت: دارالتعارف للمطبوعات، ۱۴۰۳ ق.
۱۲. بحرانی اصفهانی، عبدالله بن نورالله، محقق/مصحح: موحد ابطحی اصفهانی، محمدباقر، عوالم العلوم و المعارف و الأحوال - الإمام علی بن ابی طالب (علیه السلام)، قم: مؤسسه الإمام المهدي، چاپ دوم، ۱۳۸۲ ش.
۱۳. برقی، احمد بن محمد بن خالد، محقق/مصحح: محدث، جلال الدین، المحاسن، قم: دارالکتب الإسلامية، چاپ دوم، ۱۳۷۱ ق.
۱۴. بهبودی، محمدباقر، معرفة الحديث، بی جا، انتشارات علمی و فرهنگی وابسته به وزارت فرهنگ و آموزش عالی، ۱۳۶۲ ش.

۱۵. تبریزی نجفی، محمد طه نجف، إتقان المقال فی احوال الرجال، ایران: طبع ایران، بی تا.
۱۶. جعفریان، رسول، تاریخ گسترش تشیع در ری، قم: آستان مقدس حضرت عبدالعظیم، ۱۳۷۱ ش.
۱۷. جلالی، مهدی، رباطی، سمانه، «بررسی روش تطبیقی ابن غضائری، شیخ طوسی و نجاشی در تعامل با روایان غیر امامی»، فصلنامه علمی - پژوهشی، علوم حدیث، شماره ۷۹، ۱۳۹۵ ش.
۱۸. حر عاملی، محمد بن حسن، محقق/مصحح: مؤسسه آل البيت علیهم السلام، وسائل الشیعة الی تحصیل مسائل الشریعة، قم: مؤسسه آل البيت علیهم السلام، ۱۴۰۹ ق.
۱۹. حسین پوری، امین، حدیث ضعیف (نگاهی به رویکرد قدمای شیعه)، قم: سازمان چاپ و نشر دارالحدیث، ۱۳۹۳ ش.
۲۰. حلی، ابن داود، رجال ابن داود، تهران: انتشارات دانشگاه، ۱۳۸۳ ق.
۲۱. حلی، حسن بن یوسف، رجال العلامة الحلی، قم: دارالذخائر، ۱۴۱۱ ق.
۲۲. حموی، یاقوت بن عبدالله، معجم البلدان، بیروت: دار صادر، چاپ دوم، ۱۹۹۵ م.
۲۳. خزاز رازی، علی بن محمد، محقق/مصحح: حسینی کوه کمری، عبداللطیف، کفایة الاثر فی النصّ علی الائمة الاثنی عشر، قم: بیدار، ۱۴۰۱ ق.
۲۴. خویی، ابوالقاسم، معجم رجال الحدیث، قم: مرکز نشر آثار شیعه، ۱۴۱۰ ق.
۲۵. رجال الشیخ الطوسی، نجف: انتشارات حیدریه، ۱۳۸۱ ق.
۲۶. ساعدی، حسین، الضعفاء من رجال الحدیث، قم: مؤسسه علمی فرهنگی دارالحدیث، ۱۴۲۶ ق.
۲۷. سبحانی تبریزی، جعفر، تاریخ الفقه اسلامی و ادواره، بی جا، بی تا.
۲۸. شیخ بهایی، محمد بن حسین، مترجم: بسطامی، علی بن طیفور، محقق/مصحح: حسن زاده آملی، حسن، منهاج النجاح فی ترجمة مفتاح الفلاح، تهران: حکمت، چاپ ششم، ۱۳۸۴ ش.
۲۹. صفار، محمد بن حسن، بصائر الدرجات فی فضائل آل محمد علیهم السلام، قم: مکتبه آیه الله المرعشی النجفی، ۱۴۰۴ ق.
۳۰. طبری آملی، عمادالدین ابی جعفر محمد بن ابی القاسم، بشارة المصطفی لشیعة المرتضی، نجف: المکتبه الحیدریه، چاپ دوم، ۱۳۸۳ ق.
۳۱. طوسی، محمد بن حسن، الفهرست، نجف: المکتبه المرتضویه، بی تا.
۳۲. طوسی، محمد بن حسن، مصحح/محقق: تهرانی، عباد الله و ناصح، علی احمد، الغیبة (للطوسی)/کتاب الغیبة للحجة قم: دار المعارف الإسلامية، چاپ اول، ۱۴۱۱ ق.



۳۳. طوسی، محمد بن حسن، محقق/مصحح: خراسان، حسن موسوی، الاستبصار فیما اختلف من الاخبار، تهران: دار الکتب الاسلامیه، ۱۴۰۶ق.
۳۴. طوسی، محمد بن حسن، محقق/مصحح: خراسان، حسن موسوی، التهذیب الاحکام، تهران: دارالکتب الإسلامیه، چاپ چهارم، ۱۴۰۷ق.
۳۵. عریضی، علی بن جعفر، محقق/مصحح: مؤسسة آل البيت ﷺ لاحیاء التراث، مسائل علی بن جعفر و مستدرکاتها، قم: مؤسسة آل البيت ﷺ، ۱۴۰۹ق.
۳۶. قطب‌الدین راوندی، سعید بن هبة الله، محقق/مصحح: مؤسسة الامام المهدي ﷺ، الخرائج و الجرائح، قم: مؤسسه امام مهدی ﷺ، ۱۴۰۹ق.
۳۷. قمی، علی بن ابراهیم، محقق/مصحح: موسوی جزائری، طیب، تفسیر القمی، قم: دارالکتاب، چاپ سوم، ۱۴۰۴ق.
۳۸. کریمان، حسین، ری باستان، تهران: انتشارات انجمن آثار ملی، ۱۳۴۵ش.
۳۹. کشی، محمد بن عمر، مشهد، رجال الکشی، انتشارات دانشگاه، ۱۳۴۸ش.
۴۰. کلینی، محمد بن یعقوب، الکافی، محقق/مصحح: غفاری علی اکبر و آخوندی، تهران: دارالکتب الإسلامیه، چاپ چهارم، ۱۴۰۷ق.
۴۱. کوفی، فرات بن ابراهیم، محقق/مصحح: کاظم، محمد، تفسیر فرات الکوفی، تهران: مؤسسه طبع و نشر وزارت ارشاد اسلامی، ۱۴۱۰ق.
۴۲. گرامی، محمدهادی، مقدمه‌ای بر تاریخ‌نگاری انگاره‌ای؛ جستارهایی درباره تاریخ‌نگاری اندیشه در مطالعات اسلامی، تهران: نشر امام صادق ﷺ، ۱۳۹۶ش.
۴۳. گرامی، محمدهادی، نخستین مناسبات فکری تشیع (بازخوانی مفهوم غلو در اندیشه جریان‌های متقدم امامی)، تهران: انتشارات دانشگاه امام صادق ﷺ، ۱۳۹۱ش.
۴۴. مازندرانی حائری، محمد بن اسماعیل، محقق: مؤسسة آل البيت ﷺ لاحیاء التراث، منتهی المقال فی أحوال الرجال، قم: مؤسسة آل البيت ﷺ لاحیاء التراث، ۱۴۱۶ق.
۴۵. مامقانی، عبدالله، محقق: مامقانی، محی‌الدین، محقق: مامقانی، محمدرضا، تنقیح المقال فی علم الرجال، قم: مؤسسة آل البيت ﷺ لاحیاء التراث، ۱۴۳۱ق.
۴۶. مجلسی، محمدباقر، محقق/مصحح: جمعی از محققان، بحارالانوار الجامعة لدرر اخبار الائمة الاطهار ﷺ، بیروت: دار احیاء التراث العربی، چاپ دوم، ۱۴۰۳ق.
۴۷. مجلسی، محمدباقر، محقق/مصحح: رسولی محلاتی، سید هاشم، مرآة العقول فی شرح اخبار آل الرسول، تهران: دار الکتب الاسلامیه، چاپ دوم، ۱۴۰۴ق.

۴۸. مجلسی، محمدباقر، محقق: رحمان ستایش، محمدکاظم، الوجیزه فی الرجال، تهران: همایش بزرگداشت علامه مجلسی، چاپ اول، ۱۴۲۰ق.
۴۹. مجلسی، محمدتقی، محقق/مصحح: رجائی، مهدی، ملاذ الاخیار فی فهم تهذیب الاخبار قم: کتابخانه آیه الله مرعشی نجفی، ۱۴۰۶ق.
۵۰. مجلسی، محمدتقی، محقق/مصحح: موسوی کرمانی، حسین و اشتهازدی علی پناه، روضه المتقین فی شرح من لا یحضره الفقیه (ط - القديمة)، قم: مؤسسه فرهنگی اسلامی کوشانپور، چاپ دوم، ۱۴۰۶ق.
۵۱. محسنی، محمد آصف، بحوث فی علم الرجال، قم: مرکز المصطفی ﷺ العالمی للترجمة و النشر، چاپ پنجم، ۱۴۳۲ق.
۵۲. مسجدی، حیدر، دارة فی شخصیة سهل بن زیاد و روایاته، قم: دارالحدیث، ۱۳۹۵ش.
۵۳. مغربی، ابن حیون، نعمان، محقق/مصحح: فیضی، آصف، بن محمد، دعائم الاسلام و ذکر الحلال و الحرام و القضايا و الاحکام، قم: مؤسسه آل البيت ﷺ، چاپ چهارم، ۱۳۸۵ق.
۵۴. مفید، محمد بن محمد، الاختصاص، قم: المؤتمر العالمی لالفیة الشیخ المفید، ۱۴۱۳ق.
۵۵. مفید، محمد بن محمد، جوابات اهل الموصل فی العدد و الرؤیة، قم: کنگره جهانی هناره شیخ مفید، ۱۴۱۳ق.
۵۶. میرزایی، زهرا، بادکوبه، احمد، «عوامل مؤثر در رونق و رسمیت یافتن تشیع در ری از امارت ابوالحسن مادرانی تا پایان حکومت آل بویه»، فصلنامه علمی - پژوهشی شیعه شناسی، سال سیزدهم، شماره: ۴۹، ۱۳۹۴ش. گاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
۵۷. نجاشی، احمد بن علی، رجال النجاشی، قم: انتشارات جامعه مدرسین، ۱۴۰۷ق.
۵۸. نخستین اندیشه های حدیثی شیعه (رویکردها، گفتمان، انگارهها، جریانها)، تهران: نشر امام صادق ﷺ، ۱۳۹۶ش.
۵۹. نوبختی، حسن بن موسی، فرق الشیعه، بیروت: دارالأضواء، ۱۴۰۴ق.